

## اثر بخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر روش‌های فرزندپروری والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان

حسنعلی میرزابیگی\*؛ استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی مرکز تهران، تهران، ایران

**چکیده:** به منظور بهبود روش‌های فرزندپروری والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان بر اساس آموزش فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی مطالعه‌ای شبه‌آزمایشی از نوع گروه‌های نامعادل انجام شد. گروه نمونه شامل سی زوج با میانگین سنی ۴۰ سال دارای فرزندان شاغل به تحصیل در مقطع راهنمایی و داوطلب شرکت در پژوهش بودند که به دو گروه ۱۵ زوج آزمایش و ۱۵ زوج کنترل تقسیم شدند. در مرحله‌ی پیش‌آزمون دو گروه آزمون والدین سیاهه‌ی رفتار والدینی را تکمیل نمودند و معدل آخرین کارنامه‌ی دانش‌آموز خود را گزارش دادند. سپس گروه آزمایش تحت ده جلسه‌ی دو ساعته برنامه آموزش فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی قرار گرفت که نتایج حاصل از مقایسه میانگین پس‌آزمون گروه‌ها با تحلیل کوواریانس نشان داد: تفاوت معناداری بین پس‌آزمون گروه کنترل و آزمایش وجود دارد و از آنجا که نمره‌ی پس‌آزمون گروه آزمایش افزایش را نشان می‌دهد، بنابراین می‌توان چنین عنوان نمود که آموزش فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر روش‌های فرزندپروری والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر دارد.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ ایرانی، سبک‌های فرزندپروری، پیشرفت تحصیلی، آموزش، دانش‌آموزان.

\*نویسنده‌ی مسؤؤل: استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی مرکز تهران، تهران، ایران

(Email: drmirzabegi@gmail.com)

## مقدمه

فرهنگ، شناسنامه و هویت افراد یک جامعه است. الیوت، فرهنگ را نوعی خاصی از قواعد زیستن و شیوه‌ای خاص از زندگی که به آن ارزش زیستن می‌دهد، می‌داند. با توجه به این که فرهنگ ذاتی انسان نیست، انسان اساساً با فرهنگ زاده نمی‌شود و در بدو تولد جز یک سلسله توانایی‌ها و استعدادها بالقوه چیزی ندارد، بنابراین لازم است که ارزش‌های اجتماعی به نسل جدید انتقال داده شود (فدایی ۱۳۸۸). بدین ترتیب نقش خانواده در نهادینه کردن ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی این است که به انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی بپردازد. محیط خانواده، نحوه تعامل پدر و مادر و فرزندان با یکدیگر، انتخاب محصولات فرهنگی که خانواده از آن‌ها استفاده می‌کند، مانند: فیلم، مجله، پوستر و غیره، طبقه‌ی اجتماعی خانواده، اعتقاد خانواده به دستاوردهای فرهنگی گذشته‌گان، همانندسازی کودکان با والدین به عنوان الگوی رفتاری و تصویری که والدین از فرزندان‌شان در ذهن دارند و بیانگر ایده‌آل ذهنی آنان است، همگی در انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی به کودکان مؤثر است (شرفی و طاهرپور ۱۳۸۷).

والدین دارای سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند و سرمایه‌های فرهنگی آنان بیشترین تأثیر را بر افکار و رفتار آنان از جمله شیوه‌های فرزند پروری آن‌ها داشته است، فضاهای فرهنگی زندگی آنان را شکل داده و هدایت می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد که فضاهای فرهنگی درون خانواده که متأثر از سرمایه‌های فرهنگی آنان است، تأثیر بسیار مهمی در چگونگی شکل‌گیری شخصیت و فرهنگ فرزندانشان خواهد داشت.

رابطه‌ی والدین با فرزندان یا شیوه‌های فرزند پروری، در گذر از اعمالی است که اهداف گوناگونی را در بر دارند. تربیت اخلاقی و روانی، شناسایی، رشد و پیشرفت استعدادهای فرزندان، آموزش مهارت‌ها، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای جامعه از دید والدین از جمله این اهداف هستند. پارسونز نیز دو کارکرد اساسی یعنی اجتماعی کردن و شکوفایی شخصیت فرزند را برای خانواده در نظر می‌گیرد (اعزازی ۱۳۷۶).

این گونه اهداف والدین که شامل تمام فعالیت‌ها و اعمالی می‌شود که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم ارتباط آن‌ها را با فرزندان در رفتارهای روزمره نشان می‌دهد و توسط نیروهایی هدایت و یا کنترل می‌شوند که این نیروها

به صورت یکسان و به یک اندازه نزد انسان‌ها از جمله والدین وجود ندارد. این نیروها در ارتباط با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده می‌باشند. همچنین تصوراتی که والدین از فرزندان خود دارند، تأثیر بر روی چگونگی نوع روابط یعنی شیوه‌های فرزندپروری نیز دارند (منادی ۱۳۷۸). تصورات نیز تحت تأثیر طبقه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرد (یا سرمایه‌های فرهنگی) می‌باشند. بسیاری از محققان، ویژگی‌های عمومی رفتار والدین- کودک را در سه بعد تعریف نموده‌اند. این ابعاد عبارت‌اند از:

الف- گرمی: والدین با محبت به نیازها و علایق کودکان خود، بیش از نادیده انگاشتن و محروم کردن او پاسخ می‌دهند.

ب- نظارت و کنترل والدین: والدین دارای این بعد رفتاری مایلند از نزدیک کودکان خود را نظاره کنند و معیارهای قاطعی برای رفتار داشته و از فرزندان انتظار عملی کردن آن‌ها را دارند ولی لزوماً آن‌ها را تنبیه نمی‌کنند (برنت ۱۹۹۷).

ج- بعد درگیر بودن: والدین دارای این بعد، تنها قادر هستند نگرش‌ها و رفتار کودکان خود را توصیف کنند و از نظر نگرشی کودک- محورند (مکوی و مارتین ۱۹۹۲).

با توجه به ابعاد رفتاری (گرمی و کنترل)، بامیرند (۱۹۹۱) سه نوع الگوی تربیتی والدین را ارائه نمود:

الف- الگوی تربیتی استبدادی؛ ب- الگوی تربیتی سهل‌گیر و ج- الگوی تربیتی قاطع و اطمینان‌بخش.

والدین دارای الگوی رفتاری قاطع و اطمینان‌بخش در امر تربیت خود کنترل و گرمی زیاد، والدین مستبد کنترل زیاد گرمی کم، و والدین سهل‌گیر کنترل کم و گرمی زیاد اعمال می‌نمایند (لمبورن ۱۹۹۱). پژوهش‌های انجام شده (بهرامی ۱۳۸۷) نشان داده است که سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوی فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش بیش از سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با الگوی فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیر است. به علاوه سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان با تحصیلات پدر رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد. نتایج نشان داده‌اند، افزایش اطلاعات پدر باعث آگاهی آن‌ها نسبت به سبک تربیتی در مورد فرزندانشان و این موضوع منجر به در پیش گرفتن سبک تربیتی بهتر در آن‌ها می‌شود. کارکردهای آموزش و پرورش از طریق خانواده یا مشارکت فرد در فعالیت‌های

سپس گروه آزمایش تحت ده جلسه دو ساعته برنامه آموزش فرزند پروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی قرار گرفت و نتایج حاصل از مقایسه میانگین پس آزمون گروه ها با تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفتند.

### ابزارهای پژوهش

#### ۱. بسته آموزشی "آموزش فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی"

مبنای طراحی بسته آموزشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، رساله دکتری محقق (میرزاییگی ۲۰۱۰) می باشد، که در آن از جزئیات بنیان و سازمان تربیتی ایران و باستان، اهداف مهم آموزش و پرورش، برنامه تعلیم و تربیت در ایران باستان، پداگوژی تعلیم و تربیت از عصر پهلوی تا انقلاب، اصول حاکم و ارزش‌های معنوی در آموزش و پرورش ایران، مبانی اخلاقی، دینی و اسلامی و فرهنگ ایرانی استفاده شده است.

#### ۲. سیاهه رفتار والدینی (CRPBI Revised Children's Reports of Parental Behavior Inventory)

فرم اولیه این سیاهه با ۱۰۸ گویه توسط شفر در ۱۹۶۵ به منظور ارزیابی رفتار والدین از طریق گزارش فرزند طراحی شد. در پژوهش حاضر، فرم گزارش والدین این سیاهه که توسط مارگونیز و وینتراب (۱۹۷۷) نقل از سیدرضی، ازخوش، طهماسیان، بیان و بیگلریان (۱۳۹۲)، بازبینی شده و به ۵۶ گویه تقلیل یافته بود، مورد استفاده قرار گرفت. در این سیاهه توصیف‌های متنوعی از رفتار والدینی ارائه شده و از آزمودنی‌ها خواسته شده میزان درستی هر مورد را در مقیاس به امتیازی لیکرت (درست، گاهی اوقات درست و همیشه نادرست) مشخص کنند.

این سیاهه سه بعد فرزند پروری را می‌سنجد: پذیرش در مقابل طرد (اغلب اوقات به فرزندم لبخند می‌زنم)، کنترل در برابر استقلال روانشناسانه (به خود می‌گویم اگر فرزندم مرا دوست دارد باید کاری انجام دهد که از او می‌خواهم)، کنترل قاطعانه در برابر کنترل سهل‌گیرانه (مواظبم که آیا وقتی چیزی به او می‌گویم انجام می‌دهد). نمره گذاری برخی گویه‌ها به صورت معکوس انجام می‌شود، سپس با تبدیل نمره کل هر سه زیر مقیاس به نمره استاندارد و به دست آوردن حاصل جمع آن‌ها، یک نمره کل فرزند پروری برای هر والد تعیین می‌شود که نمره بالاتر، بیان‌کننده فرزند پروری مثبت و بهینه است. در هر زیر مقیاس نیز نمره بیشتر نشان دهنده بالاتر بودن قسمت مثبت هر طیف

گوناگون گروه اجتماعی صورت می‌گرفت و به این منظور نهاد جداگانه‌ای لازم نبود. ولی در جوامع پیچیده امروزی با گسترش شهرنشینی، توسعه صنعتی و دگرگون شدن ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی، عواملی مثل خانواده که در گذشته بار تعهدات تربیتی را عهده دار بودند، دیگر قدرت و نفوذ کافی برای ایفای وظایف پیچیده آموزشی و پرورشی را ندارند. از این رو شرایط جامعه متحول، مستلزم ایجاد نهاد خاصی به نام نظام آموزشی رسمی یا مدرسه است تا آنچه را که نسل‌های گذشته در شکل ساده تر، در خانواده فرا می‌گرفتند، اکنون در اشکال گوناگون و پیچیده تر در این نهاد بیاموزند (علاقه‌بند ۱۳۸۲).

شتاب تحولات فرهنگی و اجتماعی از ویژگی‌های مهم عصر ارتباطات است. سرعت تبادل اطلاعات، مرزهای جغرافیایی و اعتقادی را در نوردیده و خانواده را با دگرگونی‌هایی رو به رو ساخته که این نهاد تا پیش از آن تصویری از آن‌ها نداشته است. از همین رو، در مواجهه با این تحولات سردرگم، تنها و پر اضطراب می‌نماید و سراسیمه در جست و جوی تکیه‌گاهی مطمئن تا با دریافت تحلیلی دقیق و مشاهده‌ای روشن، هم وضع خویش را به درستی بشناسد و هم مسیری به سوی آینده بگشاید. بنابراین بیش از پیش لزوم طراحی بسته‌های آموزشی راهگشای والدین جهت انتخاب روش‌های تعلیم و تربیت متناسب با فرهنگ جامعه ضروری به نظر می‌رسد. به همین دلیل در این پژوهش برآنیم تا میزان اثربخشی روش تعلیم و تربیت مبتنی بر فرهنگ ایرانی را بر شیوه‌های فرزند پروری والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان بسنجیم.

### مواد و روش‌ها

طرح پژوهش حاضر شبه آزمایشی، از نوع گروه‌های نامتعادل است که از لحاظ ساختار مشابه طرح پیش تست - پس تست با گروه کنترل در طرح‌های آزمایشی است؛ با این تفاوت که در طرح گروه‌های نامتعادل، آزمودنی‌ها به گونه تصادفی از جامعه انتخاب نمی‌شوند (هومن ۱۳۸۴).

گروه نمونه شامل سی زوج با میانگین سنی  $40 \pm 5$  سال دارای فرزندان شاغل به تحصیل در مقطع راهنمایی و داوطلب شرکت در پژوهش بودند که به دو گروه ۱۵ زوج آزمایش و ۱۵ زوج کنترل تقسیم شدند. در مرحله پیش آزمون دو گروه آزمون والدین پرسشنامه فرزندپروری را تکمیل نمودند و معدل آخرین کارنامه دانش آموز خود را گزارش دادند.

### خلاصه محتوای جلسات

هر جلسه سرفصل‌هایی دارد که این عناوین به خانواده‌ها آموزش داده می‌شود و تمرین‌هایی در راستای این اهداف برای انجام در منزل به خانواده‌ها داده می‌شود در جلسه بعد ابتدا در ساعت اول جلسه، نتایج تمرین‌های جلسه قبل در منزل، احساس و نگرش والدین به آنها، فرایندی که با فرزند خود در انجام این تمرین‌ها تجربه کرده‌اند و موانع و مشکلات موجود در اجرای آنها با همکاری و مشارکت همه والدین حاضر مورد بحث قرار می‌گیرد. پس از یک استراحت کوتاه در ساعت دوم عناوین بعدی مطرح شده و آموزش داده می‌شود و جلسه با جمع بندی به پایان می‌رسد، هدایت جلسه نیز بر عهده متخصص می‌باشد. جلسه اول با معرفی متخصص، بیان اهداف تحقیق، آشنایی با افراد گروه، مطرح کردن علت حضور و مشارکت افراد در جلسه، بیان قوانین جلسه از سوی متخصص و پیش آزمون آغاز می‌شود، جلسه دوم تا نهم به آموزش محورهای بسته آموزشی اختصاص دارد و جلسه دهم به جمع بندی کل جلسات و اختتام دوره آموزشی می‌پردازد و در انتها از کلیه افراد به پس آزمون پاسخ می‌دهند.

### یافته‌ها

بر اساس نتایج به دست از جدول (۱) چون مقدار F در سطح ۰/۰۵ در متغیر روش‌های کلی فرزند پروری با مقدار ۵/۷۷۹، در زیر مقیاس پذیرش با مقدار ۴/۹۴۳، زیر مقیاس استقلال روانشناسانه با مقدار ۶/۷۹۹ و پیشرفت تحصیلی با مقدار ۷/۷۲۵ معنادار می‌باشد، بنابر این تفاوت معناداری بین پس آزمون گروه کنترل و آزمایش وجود دارد و از آنجا که نمره پس آزمون گروه آزمایش افزایش را نشان می‌دهد، بنابر این می‌توان چنین عنوان نمود که آموزش فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی بر روش‌های فرزندپروری والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان تاثیر دارد.

از ابعاد فرزند پروری است. بدین ترتیب نمره‌های بالا در ابعاد پذیرش، نشان دهنده گرمی و حساسیت والدین نسبت به کودک؛ در استقلال روانشناسانه، بیانگر موفقیت در عدم وابسته کردن و کنترل به واسطه ایجاد احساس گناه در کودک؛ و در کنترل قاطعانه، حاکی از توانایی اعمال قوانین، نظم و محدودیت بر رفتارهای کودک به منظور القاء پذیرش پیامدهای اعمال خود است.

دوراچر و کامینگز (۲۰۰۷) ضریب آلفای کرونباخ این ابعاد را برای مادران به این ترتیب گزارش کردند: بعد پذیرش ۰/۸۶، بعد استقلال روانشناسانه ۰/۸۳ و بعد کنترل قاطعانه ۰/۷۵. همچنین روایی حاصل از تحلیل عاملی سه بعد فرزند پروری را نیز تأیید کردند. اعتبار سیاهه برای نمونه ۲۰۰ نفری در ایران برای دو عامل پذیرش و استقلال روانشناسانه ۰/۷۷ و برای کنترل قاطعانه ۰/۴۶ به دست آمد. روایی محتوای سیاهه نیز پس از بررسی توسط پنج استاد روانشناسی قابل قبول گزارش شد. همچنین اعتبار آزمون بازآزمایی (در فاصله ۲/۵ ماه) نیز نشان داد که همه ضرایب همبستگی در سطح کمتر از ۰/۰۵ درصد معنا دارند و در دامنه ۰/۶۲ برای عامل پذیرش تا ۰/۴۴ (برای نمره کل فرزند پروری) قرار دارند (سیدرضی و همکاران ۱۳۹۱).

### ۳. پیشرفت تحصیلی:

در پژوهش حاضر، ملاک پیشرفت تحصیلی، معدل ترم گذشته (ترم دوم سال تحصیلی ۹۰-۹۱) بود که از کارنامه مستخرج شد.

### روش اجرا

در مرحله پیش آزمون، سیاهه رفتار والدینی برای هر دو گروه اجرا شد و نمرات ترم گذشته دانش آموزان نیز ثبت گردید. شایان ذکر است که زمان شروع آموزش فرزند پروری در آبان ماه انتخاب شد، سپس برنامه "فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ ایرانی" (میرزابیگی ۲۰۱۰) به صورت گروهی در ده جلسه به مدت دو ساعت و یک روز در هفته برای گروه آزمایش انجام شد. در طی جلسات آموزشی، گروه گواه برنامه ای دریافت نکرد. دو هفته بعد از اتمام جلسات آموزشی، سیاهه رفتاری برای هر دو گروه والدین بعنوان پس آزمون به اجرا در آمد و معدل کارنامه ترم جاری نیز ثبت گردید.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و نتایج تحلیل کوواریانس (ANCOVA) برای روش های فرزندپروری مادران و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

	گروه کنترل				گروه آزمایش				متغیر وابسته
	پس آزمون		پیش آزمون		پس آزمون		پیش آزمون		
F	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۵,۷۷۹*	۱/۲۳	۰/۴۲۵	۱/۹۳	۰/۴۸۱	۰/۱۲۵	۰/۶۶۹	۰/۰۵۵۷	۰/۳۷۵	روش های کلی فرزند پروری
۴/۹۴۳*	۵/۰۸۳۲۴	۲۶/۸۷	۴/۸۶	۲۶/۶	۴/۹۵	۲۹/۰۰	۴/۵۰	۲۵/۳۷	پذیرش
۰/۶۷۸	۳/۷۹۶۱۴	۲۳/۱۲	۴/۳۴	۲۳/۰	۷/۰۷	۲۲/۸۷	۴/۲۳	۲۳/۷۵	کنترل قاطعانه
۶/۷۹۹*	۴/۲۲۳۶۶	۲۴/۸۷	۲/۹۹	۲۵/۱	۷/۳۳	۲۸/۱۲	۲/۶۱	۲۳/۶۲	استقلال روانشناسانه
<b>عملکرد تحصیلی</b>									
۷/۷۲۵*	۴/۸	۴۵.۱۶	۲/۳۵	۱۶/۲۵	۱/۴۴	۱۸/۲۵	۱۳/۵۶	۱۶/۸۷	پیشرفت تحصیلی

### بحث و نتیجه گیری:

در نظریات مختلف، مشکلات متفاوت کودکان (به جز مسائلی که پایه ژنتیکی دارند) در بافت خانواده و در ارتباط با والدین است که شکل گرفته و معنا می یابند و گرنه کودک لوح سفیدی است که پا به دنیا می گذارد و هیچ در نظریات مختلف، مشکلات متفاوت کودکان (به جز مسائلی که پایه ژنتیکی دارند) در بافت خانواده و در ارتباط با والدین است که شکل گرفته و معنا می یابند و گرنه کودک لوح سفیدی است که پا به دنیا می گذارد و هیچ خدشه ای در آن وجود ندارد.

از نمونه های مؤید این مطلب نظریه دلبستگی جان بالبی (۱۹۶۹) است که نشان می دهد ارتباط اولیه والد - کودک حتی در ماه های اول، شکل دهنده احساس ایمنی در کل طول زندگی است که فقدان یا آسیب به این احساس منجر به اختلالات رفتاری فرد در بزرگسالی خواهد شد. یکی از مسائلی که فرد در سنین نوجوانی و در طول تحصیل با آن مواجه خواهد شد مشکلات تحصیلی است، بر اساس مطالب فوق انتظار می رود که با آموزش والدین،

افزایش آگاهی آنان و تغییر شیوه فرزند پروری از بروز مشکلات مختلف از جمله مشکلات تحصیلی، پیشگیری؛ مشکلات ایجاد شده، حل و در نهایت موجب پیشرفت تحصیلی آنان شود، چنانچه نتایج این پژوهش نیز تأیید کننده این موضوع بود. در راستای لزوم ایجاد تغییر رفتار والدین، فورهند و لانگ (۱۹۸۸) معتقدند اولین علت فرزندپروری ضعیف اولیا، عدم آگاهی نسبت به روش های درست والدینی است. بنابراین به نظر می رسد در پژوهش حاضر با اشاره به ضعف ها و اشتباهات رفتاری والدین، آموزش اطلاعات علمی و کاربردی در زمینه مهارت ها و روش های صحیح، دانش کلی فرزند پروری والدین افزایش یافته است. افزون بر آن هنگامی که کشف ضعف ها و اشتباهات و پایه اطلاعات علمی و کاربردی در زمینه مهارت ها و روش های صحیح فرزندپروری از متن فرهنگ ایرانی اسلامی و مأنوس با اطلاعات قبلی و بومی آنان باشد، بسیار اثرگذارتر از روش های نامأنوس و مبتنی بر فرهنگ های غریبه خواهد بود. زیرا اولیا با این مفاهیم آشنا تر بوده و نسبت به آن ها پذیراتر می باشند و تمایل

بیشتری به استفاده از مفاهیم مبتنی بر فرهنگ بومی خود در تربیت فرزندان خود برای همین جامعه خواهند داشت. چنانچه یونگ نیز در نظریه خود به یک ناهشیار جمعی تاریخی که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، اشاره می کند و اگر مفاهیم آموزش داده شده همسو با این ناهشیار جمعی تاریخی و فرهنگی باشد، والدین احساس مثبتی به آن خواهند داشت (شولتز، ترجمه سیدمحمدی و دیگران ۱۳۹۱).

همچنین گروهی بودن جلسات نیز تاحدی توانست با ایجاد حس همدردی در والدین، به شرکت گذاردن تجربیات و راهکارهای مختلف اعضاء در رشد کلی روش های فرزندپروری و به کارگیری برخی مهارتهای عینی تر موثر باشد. در مورد اهمیت گروه، لواک و همکاران (۲۰۰۸) معتقدند گروه نه تنها راهبردهای رفتاری را در اختیار والدین قرار می دهد، بلکه مهمتر از آن فضای حمایتگر و همکارانه به وجود می آورد که والدین می توانند در آن به ابراز خود بپردازند و در نتیجه این مشارکت بیشتر، تلاش افزون تری برای تغییر از خود نشان دهند.

حال اینکه از بین ابعاد و مؤلفه های مختلف چرا مقیاس پذیرش و استقلال روانشناسانه معنی دار شده و منجر به پیشرفت تحصیلی گردیده؟ به نظر می رسد آنچه در فرهنگ ایرانی متأثر از مفاهیم اسلامی به چشم می خورد حفظ کرامت انسانی فرد در هر فرایند به ویژه فرایند رشد و تربیت و تمرکز بر فطرت پاک الهی کودک است، همین امر موجب تأثیر بیشتر بر این دو مقیاس شده است. هنگامی که فرد توجه مثبت بدون قید و شرط دریافت می دارد و تمرکز بر رفتارهای وی و نه کل شخصیت او است، این احتمالاً موجب افزایش احساس امنیت و انگیزه در فرد و در نهایت موجب افزایش پیشرفت تحصیلی خواهد بود (فیاض بخش ۱۳۸۹).

با نگاهی به سرفصل های مطرح شده در محتوای جلسات به این مفاهیم بر می خوریم: جلسه دوم، تقویت و پاداش نقش مهمتری نسبت به تنبیه دارند؛ جلسه سوم، والدین در شیوه های تربیتی خود در عین

اقتدار والدینی باید حدی از انعطاف پذیری را نیز رعایت نمایند، عدم مقایسه افراد که منجر به توجه به فردیت فرد و استقلال او می شود، کنار گذاشتن دید منتقدانه و ... در نتیجه کار بر روی این مفاهیم در آموزش اولیا موجب دستکاری شیوه های فرزند پروری آنان و تأثیر بر ابعاد فوق می شود. همچنین با مرور این سرفصل، در جلسه ششم، آموزش مفاهیم کلی چون حق و راستی و احترام به عدالت و فرصت های مساوی و ... نشان می دهد که در این شیوه آموزشی انتقال مفاهیم کلی و آزاد گذاشتن کودک در انتخاب روش های کاربردی و جزئی وجود دارد که همین منجر به تأثیر در بعد استقلال روانشناسانه می شود.

بنا به نظر ریز (۱۹۹۰) کنترل روانشناسانه به آن جنبه از رفتارهای والدین گفته می شود که به صورت آشکار و روانشناسانه، کودک و رفتارهای او را کنترل کرده و در نتیجه وابسته کردن او به خود، اجازه رشد فردی و مستقل به کودک نمی دهند. بین (۱۹۹۷) معتقد است این والدین به طور مستمر فداکاری های خود در قبال فرزندان را به آن ها گوشزد کرده و به کودکان اجازه نمی دهند در مورد احساسات خود صحبت کنند یا اقتدار و عقاید والدین را زیر سوال ببرند. در مقابل، استقلال روانشناسانه شامل، عدم احساس گناه یا اضطراب و دریغ کردن عشق برای کنترل رفتارهای کودک است.

بر اساس این تعریف وابسته یا مستقل با آوردن کودک از لحاظ روانشناختی تا حدودی ریشه در عقاید والدین دارد و در این میان فرهنگ به عنوان یکی از با نفوذ ترین عوامل در تعیین باور های والدینی، می تواند نقش کلیدی در این زمینه داشته باشد (پارک ۲۰۰۴). فرهنگ بر روش های فرزند پروری والدین مؤثر است؛ به گونه ای که روش های فرزندپروری از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر تفاوت دارند و ممکن است روش های مؤثر در یک فرهنگ در فرهنگ دیگری ناکارآمد به نظر آید.

**References:**

Alagheband, A 2003, *Sociology of Education*, Nashre Ravan Publication, Tehran.

Azazi, S 2007. *Family sociology, with an emphasis on the role, structure and functions of the modern family*. Roshangaran and women's studies Publications.

Bahrami, E, Bagherpour Komachali, S, fathi Ashtiani, A, et al 2008, Patterns of parenting children with mental health and academic achievement. *Psychology and Education*. Vol.38, No.4, Pp. 87-100.

Baumrind, D 1991, The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early adolescence*, Vol.11, No.1, Pp.56-95.

Bean, RA 1997, Academic grades, Delinquency, and Depression among Ethnically Diverse Youth: The Influences of Parental Connection, Regulation, and Psychological Control. Doctoral's thesis, Brigham Young University, Provo, Utah, United States.

Berndt, TJ 1997, *Child Development*. London Haroout, Brace.

Bowlby, J 1969, *Attachment. Attachment and Loss: Vol. 1. Loss*. New York: Basic Books.

Du Rocher Schudlich, TD, Cummings, EM 2007, Parental dysphoria and children adjustment: marital conflict styles, children emotional security, and parenting as mediators of risk. *Journal of abnormal child psychology*, Vol.35, Pp. 627-639.

Fadai, H 2009, Councils, engineering, cultural and citizenship education. *Journal of Information, Education and Research*. No.41, Pp. 4-10.

Fayazbakhsh, MT 2010, *Dignity of the soul in a child's education*. Fardafar publication, Tehran.

Forehand, R , Long, N 1988, Outpatient treatment of the acting put child: procedures, long term follow -up data, and clinical problems. *Advanced behaviour research therapy*, Vol.10, Pp. 129-177.

Homan, HA 2005, *Understanding of the scientific method in behavioral science: basic research (sixth edition)*. Peike Farhang Publication, Tehran.

Lamborn, SD, Mounts, NS, Steinberg, LD, et al 1991, Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, Vol.62, Pp.1049-1065.

Levac, AM, McMay, E, Merka, P, et al 2008, Exploring parent participation in parent training program for children's aggression: understanding and illuminating mechanisms of change. *Journal of child and adolescent psychiatric nursing*, Vol.21, No.2, Pp. 78-88.

Maccoby E, Martin, J 1983, Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In E.M. Hetherington (Ed.), *Handbook of child psychology: Socialization, personality, and social development* (Vol. 4, Pp. 1-101). New York: Wiley.

Mirzabeigi, HA 2010, The effect of cultural capital and family traditions of education in families and parenting practices on children's academic success. PhD's thesis. Academy of Pedagogical Sciences of Tajikistan.

Monadi, M 2009, Education on the verge of the 21st century. Speech at the Second Conference on the threshold of the 21st century. By Centre for Cultural Science Academy Birch, 30 and 31 May 2009, Mashhad.

Park, S 2004, Cultural considerations in providing positive behavioural support (PBS) & behavioural parenting training (BPT) to Korean & European American parents who have children with disability and problem behaviours. Doctoral's thesis. University of California, Berkeley, California, United States.

Racz, J 1990, Child's report of parent behaviour inventory-ethnic differences. master's thesis. University of Alberta, Edmonton, Alberta, Canada.

Schultz D 2012. *Theories of personality*, (first edi.), Translated by Seyed Karimi, Y, et al 2012, Tenth edition, Arasbaran Publication, Tehran.

Seyedrazy, HH, Azkhosh, M, Tahmasian, K, et al 2012, Significant effect of parental education on children disobedient mothers' parenting practices and child behavior problems. *Family Research*, Year VIII, No.32, Pp.373-390.

Sharafi, MR, Taherpour, M 2008, The role of educational institutions in citizenship education, *Journal of Engineering Culture, Supreme Council of the Cultural Revolution*, Vol.2, No.15, Pp. 47.



## The Effectiveness of Training how to Bringing up Children based on Iranian Culture on Parents' Growing Methods and Children's Achievements

Hasanali Mirzabeigi<sup>1,\*</sup>

<sup>1,\*</sup>: Assistant Professor of, Islamic Azad University Tehran Center, Tehran, Iran

**Abstract:** In order to improve the academic achievement of children and parenting style based on Iranian culture, a quasi-experimental study of nonequivalent groups was performed, the sample consisted of thirty couples with an average age of 40 years, how has school age children participated voluntarily and were placed in either an experimental or a control group. The experimental group received education program in 10 sessions (each two hours). All participants answered the Revised Children's Reports of Parental Behavior Inventory (CRPBI) in pre and post test. Finally, questionnaires data, Demographic information and the averages of one semester past have been used for analysis and Hypotheses were tested by ANCOVA analysis. Also, the results indicated that the experimental group had significantly higher scores in the posttest than in the pretest phase. As a result, both experimental and qualitative findings suggest that parenting education based on Iranian culture can be used to improve children's academic achievement and parenting styles.

**Keywords:** academic achievement, parenting style, Iranian culture, education, children

**\*Corresponding author:** Assistant Professor of, Islamic Azad University Tehran Center, Tehran, Iran

**Email:** drmirzabeigi@gmail.com